

تا کنون

شیعه بدنیا معرفی نشده است

(۲)

يك ملت از نظر تكامل وقوت و ضعف و جوانی و پیری عیناً مانند يك انسان است و این جمله ایست که مورد اتفاق جمیع دانشمندان جامعه شناس می باشد.

ملتی بوجود می آید؛ آرام آرام دوران کودکی را طی میکند قدم در آستانه جوانی میگذارد بمنتهی درجه قدرت میرسد و سرانجام هم بموجب ناموس قطعی تحول بسوی پیری میرود تاریخ تطور ملل؛ خیلی خوب و صریح تئوری و کودکی و جوانی و پیری ملتها را برای ما ثابت میکند تاریخ ملتگاهی را بمانشان میدهد که روزگاری در بحبویه قدرت و جوانی بوده و با بازوان نیرومند و آهنین دنیا را در مقابل خود مجبور تسلیم کرده اند؛ چکمه سر بازش کوهها و دشتها و شهرها را درهم می نوردیده و نبره افسران و شیشه اسبانش رعشه بر اندام دشمن میافکنده ولی امروز دوران جوانیش تمام شده قدرتش از دست رفته و بازوان سطرش ضعیف و ناتوان گشته است و این ناموس قطعی آفرینش است.

و امروز هم نوبت جوانی ملت های دیگر است، آن چنان ملت های جوانی که نه تنها کره ارض را میدان تاخت و تاز خود قرار داده اند، بلکه سفینه های فضائیش؛ کرات دور دست آسمان را که روزی تنها جولا نگاه فکر شما بود؛ بازیچه خود قرار داده است؛ با عمق دریا فرو میرود؛ باوج کهکشان پرواز میکند و آن چنان در بحران جوانی قدم بر میدارد که از هر چه در زیر پای او است بی خبر است

ولی کم کم این ملت ها نیز معبر جوانی را طی کرده و ناموس قطعی آفرینش آنها را هم از میدان یک تازی بیرون خواهد کرد و اما افریقا :

آیا افریقا در بحبویه جوانی است و یا اینکه روانه پیری شده است . کدام يك از این دو؟ افریقا نه در بحبویه جوانی است و نه پیر است؛ افریقا ملتی است که تازه دوران کودکی خود را پشت سر گذارده؛ و تازه قدم در آستان جوانی نهاده است.

ملتی است که هنوز ذخائر روحی و معنوی او دست نخورده است، ملتی است که تازه آمده جائی درد نیای امروز برای خود باز کند؛ ملتی است که روز بروز بر عظمت او افزوده خواهد شد.

روزی این ملت کودک بود؛ آدم میخورد؛ وحشی بود؛ بدور آتش میرقصید، از جن و غول و ارواح جنگل وحشت میکرد؛ عیناً مانند کودک، که هیچ خوب و بد را تمیز نمی دهد با اندک وسیله ای فریب میخورد؛ و خلاصه تحت نفوذ استعمار قرار میگرفت اروپا خیلی زود و بسرعت توانست این کودک سیاه را فریب دهد؛ قرنهای گذشته که این ملت کودک زنجیر اسارت را بگردن داشت. ولی امروز؛ آن روزگار سپری شده، افریقای کودک قدم بمرز جرائی گذارده و بالغ شده، و خیلی زود یکی بعد از دیگری زنجیرهای اسارت را پاره می کند.

در اینجا ما مطلب خود را با استدلال ریاضی نمی توانیم ثابت کنیم ولی بدون استدلال هم نیستیم؛ روش تحقیق و استدلال و نتیجه گیری در هر فنی فرق میکند، در اینجا کافی است که ما تاریخ چند ساله اخیر افریقا را ورق زده و مظاهر بلوغ را از لای لای آن بنگریم.

در این باره سالنامه نوردانش ارقام قابل توجهی را ذکر میکنند می نویسد:

در سال ۱۹۶۰ را میتوان سال افریقا خواند در طول تاریخ هیچ سالی این اندازه که سال مزبور برای قاره سیاه پر حادثه بود دیده نمیشود، برای نشان دادن اهمیت این حوادث ارقامی چند ذکر میکنیم:

در سال ۱۸۶۰ فقط يك کشور مستقل در افریقا وجود داشت و آن لیبیا بود؛ در سال ۱۹۴۰ سه کشور مستقل بود (علاوه بر لیبیا اتحادیه جنوب افریقا و مصر در حالیکه سلطنت مصر هم تاحدی جنبه نظری داشت) در سال ۱۹۵۰ چهار دولت بود (آن سه دولت با اضافه حبشه) در آخر سال ۱۹۵۹ در قاره افریقا ده کشور مستقل وجود داشت که ۴۰ درصد از سکنه افریقا جزء آن بشمار میرفتند.

تعداد سال ۱۹۶۰ و اوائل ۱۹۶۱ چهل درصد دیگر از اهالی متعلق بنورده کشور استقلال ملی یافته اند.

می بینید که افریقای تازه جوان از سال ۱۹۵۹ بپس با چه سرعت غیر قابل وصفی پندهای استعمار را پاره میکند، ارقام بالا تا چه اندازه صحیح باشد نمیدانم. ولی مسلم است که در دوسه سال اخیر؛ افریقا جهش فوق العاده ای بطرف استقلال نموده است و همین چند روز قبل بود که پس از مبارزات سنگین هفت ساله ملت مسلمان الجزائر نیز توانست خود را از استعمار فرانسه نجات بخشیده و با استقلال برسد.

این جهش فوق العاده ای که قاره آفریقا ظرف این دوه ساله اخیر آ از خود نشان داده است ، روشن میسازد که ؛ دیگر آفریقا دوران کودکی را پشت سر گذارده ؛ و یک ملت جوان و نیرومندی بملتهای جهان افزوده شده است .

خلا فکری

انقلاب در آفریقا تنها در ناحیه سیاست و حکومت نیست بلکه در ناحیه روحی و معنوی نیز ، انقلاب فوق العاده با ارزشی تکوین یافته ، آفریقای کودک خیلی ساده و باسانی می توانست یک سلسله عقائد خرافی را در خود پذیرفته و ارواح و شیاطین و موجودات مرموزو نامرئی دیگری را حاکم بر مقدرات خود بداند ؛ ولی آفریقا با قدم گذاردن در آستان جوانی دیگر روح کنجکاو و حقیقت جوی او را ، خرافات اقناع نمی کند . لذا در آفریقای کنونی بموازات انقلابات سیاسی یک سلسله انقلابات روحی و فکری نیز تکوین یافته ، مغزهای جوان آفریقا از عقائد خرافی قدیم خالی شده و در نتیجه یک خلا فکری بوجود آمده است .

فعالیت واتیکان در آفریقا

مسیحیت برای استفاده از این خلا فکری و برای اینکه این قاره وسیع را بسوی خود جلب کند ؛ سخت مشغول فعالیت است ؛ درست توجه کنید .

نمیدانم ؛ آیا شما خواننده محترم از کار تبلیغاتی مسیحیت اطلاع دارید یا نه ؛ فکر نمیکنم مطلع باشید .

اکنون من برای شما چند جمله از زبان یکی از شخصیتهای بزرگ آفریقا که در کنگره ای شرکت کرده بود ، نقل می کنم .

می گفت ؛ برنامه تبلیغاتی مسیحیت نسبت بنقاط مختلف آفریقا متفاوت است ، مسیحیت برای یک کشور مستعمره آفریقائی ؛ کشیش متخصص برای همان کشور میفرستد ، و این کشیشها تا موقعی در آنجا مشغول کارند که آن کشور مستعمره باشد اما اگر آن کشور باستقلال رسید بلافاصله تمام آن کشیشها بمرکز خود احضار شده ، و یک عده کشیش دیگر که متخصص تبلیغ در کشورهای تازه باستقلال رسیده ، میباشند ، بان سرزمین گسیل داده خواهد شد . و این کشیشها نیز در این منطقه دائمی نخواهند بود ، وهمینکه چند سالی مثلا ده سال گذشت تمام آنها رفته و یک عده کشیش دیگری که متخصص تبلیغ در یک کشور ده سال مستقل شده ؛ هستند ، جای آنها را خواهند گرفت وی اضافه میگرد که اصولا وقتی یک کشیش به نقطه ای از نقاط آفریقا سفر میکند نه تنها بزبان بومی محل آشنا است بلکه حتی دقپتر پین آداب و رسوم قومی آنها را نیز می داند .

یک کشیش با زبان خود مردم ؛ و بر طبق آداب و رسوم و روحیه خود آنها برنامه تبلیغی خویش را تنظیم می کند .

می گفت معمولا کشیشها برای اجرای برنامه تبلیغی خود مناطق عقب افتاده تر را انتخاب می کنند ؛ مثلا میرود در مناطقی که مردمش هنوز دارای خط نشده اند ؛ و اونخت خط لاتین را برای آنها انتخاب نموده و مردم را با این خط آشنا میسازد ، سپس با صرف بودجه های سنگین چاپخانه ای وارد می کند ؛ و اولین کتابی که در آن چاپخانه بطبع میرسد ، انجیل است . همین شخص می گفت ، در کشور من که دارای ۷ میلیون جمعیت و یک میلیون و نیم مسلمان است من که وزیر فرهنگ آن کشور و مسلمانم ، مجبورم که ۷۰ درصد بودجه فرهنگی کشور را صرف تعلیمات مسیحیت نمایم !

آیا آفریقا مسیحی خواهد شد ؟

با نام این قدرتهای تبلیغی وسیع ؛ که مسیحیت در آفریقای سیاه بکار می اندازد ؛ خوشبختانه موفقیت های زیادی در این راه بدست نمی آورد .

خواهید گفت چرا ؟

بهر است که از زبان خود آنها بشنوید . تمام آفریقائیها ، که در کنگره شرکت کرده بودند می گفتند برای ما آفریقائیها ؛ کشیش طایفه استعمار و کلیسا سمبل آنست . در طول تاریخ گذشته بهر نقطه ای که کشیش قدم گذارده بلافاصله ما مستعمره کشوری شده ایم که آن کشیش از آن کشور بوده است . لذا در زائمه فکری ما ؛ مسیحیت مترادف با استعمار بوده و بهمان اندازه که اکنون از استعمار متنفریم از مسیحیت نیز که تا کنون مولد آن بوده است متنفر میباشیم .

نماینده مراکش می گفت اگر هم ؛ کم و بیش بعض آفریقائیها بمسیحیت گروش پیدا کرده اند این در اثر سلطه استعمار است ؛ و اصولا مقالات منقلب و مشکل مسیحیت برای آفریقا قابل هضم علمی نیست و لذا پیش بینی می کنیم که بزودی آفریقای سیاه تحت لوای اسلام قرار خواهد گرفت . آری دنیای مسیحیت خیلی تلاش می کند که از خلاف فکری کنونی آفریقا استفاده نموده و داغره حکومت و اتیکان را در آن ناحیه گسترش دهد ؛ ولی بطوریکه دانستیم مسیحیت تا کنون در آفریقا امتحان خوبی نداده و همه جا بصورت عامل استعمار وانمود شده است .

تاریخ چنین میگوید ؛ در کشور یوگاندا اولین دسته کشیش در سال ۱۸۷۷ وارد شد ؛ چندی نگذشت که این مملکت با زمینه سازیهایی که کشیشهای خدا پرست !! نموده بودند مستعمره گردید . آری این است روش رجال مسیح در آفریقا ؛ و در همه دنیا !

زمینہ اسلام در افریقا

افریقا با سوابقی کہ از مسیحیت دارد؛ ہرگز مسیحی نخواہد شد؛ و چون کم و بیش ہم با اسلام آشنا بودہ و بوسیلہ تجار عرب از این دین و مقالات آسمانی آن و مخصوصاً از الفاء امتیاز نژادی اسلام مطلع است تمایل خوبی نسبت با اسلام ابراز میدارد .

آقای شیخ توری کہ یکی از شخصیتہای افریقائی است در کنگرہ جنین اظہار نمود .

« ما صولا بدون اسلام نمی توانیم زندگی کنیم؛ زیرا در پرتو

اسلام است کہ ما میتوانیم با اختلاف نژاد و با استعمار مبارزہ نمودہ

و موقعیت خود را در دنیا تثبیت کنیم . »

تمام افریقائیہائی کہ در کنگرہ بودند یکدل و یکصدا؛ از کشورہای اسلامی؛ درخواست

کمک نمودہ ، وی گفتند ما مسلمانان افریقا مجهز بوسائل علمی نیستیم؛ ہمنوعان ما آمادہ پذیرفتن اسلام ، ولی بدبختانہ در این زمینہ هیچ گونه فعالیتی از طرف مسلمین سائر کشورہا ابراز نمیشود .

وزیر فرهنگ یوگاندا می گفت؛ من بخاطر ندارم کہ تا کنون کسی برای تبلیغ اسلام

بکشور من آمدہ باشد فقط یکبار یک مبلغ اسلامی آمد ولی او ہم زبان نمی دانست و در مسجد

بازبان عربی صحبت کرد و کسی ہم سخنان او را نفہمید؛ در صورتیکہ کشیہای فراوانی

دیدہ ام کہ در این منطقہ بازبان بومی محل مشغول تبلیغ بودہ وی باشند ، واضافہ کرد کہ برای

تبلیغ اسلام در یوگاندا؛ و صولا در افریقا باید دو برنامہ اجرا شود یکی مسافرت جوانان

افریقائی بمرکز علمی اسلامی ، و دیگر آمدن مبلغین اسلامی بافریقا؛ باید وسائل تعلیم و

تربیت اسلامی در دسترس مردم افریقا قرار گیرد؛ زیرا اکنون مردم متمایل باسلام نمیدانند

معارف این دین را از کجا و از کہ و چگونه اخذ کنند؛ اولاً کتب مذہبی ولو بزبان عربی

در آنجا نیست؛ اگر ہم باشد کسی نمی تواند بخواند در صورتیکہ کلیسا نشریہ یومیہ مرتبی

بزبان انگلیسی دارد و در آن ناحیہ ہمہ زبان انگلیسی رامیدانند ، وثانیاً مسیحیت با برنامہ

صحیح فعالیت میکند . ولی گمان میکنم کہ اگر مثلاً یک مبلغ اسلامی بخواہد فعالیت دینی

خود را در آنجا شروع کند؛ مایل است کہ این فعالیت را مثلاً از ختنہ کردن پادشاہ کہ مسیحی

است شروع کند (خندہ حضار) در ہر صورت من در این کنگرہ اعلام میکنم کہ افریقا تشنہ

اسلام است ، و این وظیفہ ممالک اسلامی است کہ ہر چہ زودتر فعالیتہای مؤثر خود را در این

قارہ بزرگ شروع کنند .

خواننده محترم : این مختصر ؛ نمونه‌ای بود از اظهارات خود افریقاییها در کنگره فلسطین ؛ موضوع زمینه اسلام ؛ در افریقا بقدری قطعی و غیر قابل انکار است که یکی از نویسندگان مطلع می‌گفت که اروپا با وحشت فوق‌العاده‌ای از خطر اسلام در افریقا بحث میکند .

وظیفه ما

آیا در این شرایط خاص ، وظیفه روحانیت چیست و آیا لازم نیست که حوزه علمیه قم در این باره تصمیم‌سودمند و مؤثری بگیرد .

با اینکه خود من افتخار تحصیل در این حوزه مقدس و بزرگ را دارم ؛ ناچار در اینجا بنام ترجمیح حق بر همه چیز باید عرض کنم ؛ که روحانیت ایران سخت در غفلت و بی‌اطلاعی بسر میبرد تا کی باید قدرت وسیع تبلیغات مذهبی ما تنها در چهارچوب منبر محصور باشد، و تا کی ما باید گمان کنیم که دنیا منحصر بایران، و ایران منحصر بهمین چند نفر مسلمانی است که با ما تماس دارند . متأسفانه باید اقرار کنیم که هنوز نتوانسته‌ویا نخواسته‌ایم که با دنیا جلو آمده و لااقل افکار آشنای با مقالات علمی جوانان کشور را از نظر مذهبی اقناع کنیم منطبق تبلیغی ما امروز ؛ درست همان منطقی است که در عصر کجاوزه و پالکی داشته‌ایم دنیا با سرعت جلو می‌رود ، و فکر و مغز بشر ، هر چه بیشتر روشن میشود ؛ ولی بدبختانه مادر جازده ؛ و هیچ حاضر نیستیم که این زحمت را بخود داده و مقالات دنیا پسند اسلام را در کیسول دنیا پسندی به بشریت عرضه بداریم ؛ هنوز منطبق کلامی ما مبتنی بر قاعده لطف و کتایهای ما ، کتایهای هزار سال پیش است .

مثل امروز ما نند گنجینه داری است که در کمال بی‌اطلاعی بسر برده ؛ و نمیداند که این دانه‌های پر ارزش و مثلثاً جواهر را چگونه تنظیم نموده ؛ و با چه ترتیبی آنها را بمرض نمایش بگذارد ، و دیگران همانند هنرمند زبردستی هستند که از سفالهای بی‌ارزش و سنگریزه های بی‌قیمت خود ؛ منظره‌های جالب و دلربایی را بوجود آورده و چشم و دل بی‌خبران و مردمان سطحی را میربایند .

این مطلب صد درصد قطعی است که اگر اسلام آنطور که هست ؛ و بطور شایسته‌ای بجهان مترقی امروز بشر عرضه شود ؛ قطعاً پیشروی غیر قابل‌تصورى نموده و جمله وید بخولون فی دین الله فواجاء در عصر سفینه‌های فضائی نیز مصداق پیدا خواهد کرد .

هم‌اکنون در افریقا موقعیت خاصی برای تبلیغ اسلام هست ؛ تا ببینیم حوزه قم ؛ و روحانیت شیعه ایران چه می‌کند ، و آیا حاضر است که این پيله‌ای را که بدور خود تنیده و شمع فعالیت خود را محدود بداخل مرزهای ایران و آنهم بطور ناقص کرده است ، پاره نموده و جهان تازه‌تری را در مقابل خود ببیند ؛ و ما در این باره باز صحبت خواهیم کرد ...